



سیده پروین پختی
از فرهنگیان مهاجر اثنالی مهم ایران

و جایگاه سنتی و بومی پیدا کرده است. زیرا طولانی ترین وقایع تشریحی و تفسیری را به زبان ساده و کوتاه بصورت فولکلور (فرهنگ عامیانه) از نسلی به نسلی انتقال داده بدون اینکه حساسیت و عکس العملی در پی داشته باشد!

قابل یاد آوری است که مثلها و مثلها در جریان فعل و انفعالات اجتماعی و اجرای اعمال غیر منتظره شکل گرفته و متناسب با شرایط اجتماعی پشتوانه فرهنگی پیدا میکند.

از آنجاییکه وجود مثلها و مثلها گره خورده به چگونگی وقایع و رخداد های انجام شده میباشد روح حاکم بر مثل و مثل نیز تاثیر پذیر از شدت و ضعف مکانیزم وقایع انجام شده است. به هر صورت نقش مثلها و مثلها در قالب ضرب المثل یک پدیده فرهنگی تاریخی است که گذشته ها را زنده و آینده هارا پربار و حال را شیرین میسازد. دریک کلام فرهنگ بدون مثل و مثل فرهنگ ابتر و مردم بدون مثل و مثل مردم بدون ارتباط به گذشته و تاریخ است.

بالاتر از همه وجود مثلها و مثلهای این چنینی نشانه پویایی فرهنگ، شیرینی زبان، قدرت ادبیات، تاریخ کهن و همچنین گستردگی فعل و انفعالات سیاسی اجتماعی است برای نمونه و مثال نمونه هایی از ضرب المثل های کشور افغانستان را در حوزه زبان دری فارسی پی میگیریم.

از حافظه تاریخ و فرهنگ ملل دنیا پیداست که انسانها همواره با ضرب المثل ها و مثلها سرو کار داشته است.

اینکه ضرب المثل و یا مثل چگونه شکل گرفته و برای اولین بار در کجا و توسط چه کسی و بالاتر کدام زمان بوجود آمده است دقیقا مشخص نیست. عبارت دیگر دیدگاه و نظریات متفاوتی در این رابطه وجود دارد که وارد بحث آن نمیشویم. آنچه مهم است واقعیت اجتماعی آنهاست که در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، ادبی، هنری، کار برد عملی پیدا کرده است! و چه بسا که برای افاده یک مطلب مهم اجتماعی و یا دوره ای از دوره های اجتماعی سیاسی حتی فعل و انفعالات قومی و یا قبیلوی اهمیت فرهنگی



- ۱ شیدا از رنگش پیداست.
- ۲ چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است!
- ۳ با قاشق میدهد بادسته اش داغ میکند!
- ۴ بار کج به منزل نمیرسد!
- ۵ افتو (آفتاب) به دو انگشت پت (پنهان) همیشه!
- ۶ چاه کن آخرش به چاه است.
- ۷ صدای دهل از دور خوش است!
- ۸ از خانه سر کار تیل بچکد به چلو صاف بگیر!*
- ۹ از خرس مو کندن!
- ۱۰ مار گزیده از ریسمان دراز می ترسد!
- ۱۱ رنگش بین حالش بپرس!
- ۱۲ بی می مست وبی سر که ترش!
- ۱۳ کور یکبار عصای خودش را گم میکند!
- ۱۴ کاسه‌ی داغتر از آتش!*
- ۱۵ آشپز که چند تا شد دیگ یا شور میشود یا بینمک!
- ۱۶ سر ترکیده کنیز را همه می بینند، دل پر خون بی بی را هیچکس!
- ۱۷ دود از کنده بالا میشود!*
- ۱۸ جیر جیرک بام به بام، خاموشک کار تمام!*
- ۱۹ به یک گل بهار همیشه!
- ۲۰ گلخن چی را آب گندیده بکار آید.
- ۲۱ دیر آید و خوش آید.
- ۲۲ اول حق خدا دوم حق همسایه!
- ۲۳ آسیاب اگر از باباهم است به نوبت است!
- ۲۴ جدایی که ضرور است بی وفایی نیست!*
- ۲۵ سر لخک دروازه نشین که به تهمت گرفتار میشی!*

۲۶ مهمان را مهمان وار صاحب خانه را چرب تر!*

۲۷ سالی که نیکوست از بهارش پیداست!

۲۸ باجه که باجه را دید ، سک کله پاچه را دید!*

۲۹ مورچه چیست که کله پاچه اش باشد!*

۳۰ بیل زن و شمشیر زن مساوی است!*

۳۱ انگور خوب دانه میشه زن خوب بیوه!

۳۲ زمین نرم ابروی بیلدار!

۳۳ کار را مصالح (ادویه) میکند لافش را بیبی!*

۳۴ چشم عاشق کور است!

۳۵ کور چه میخواهد! دودیده روشن!*

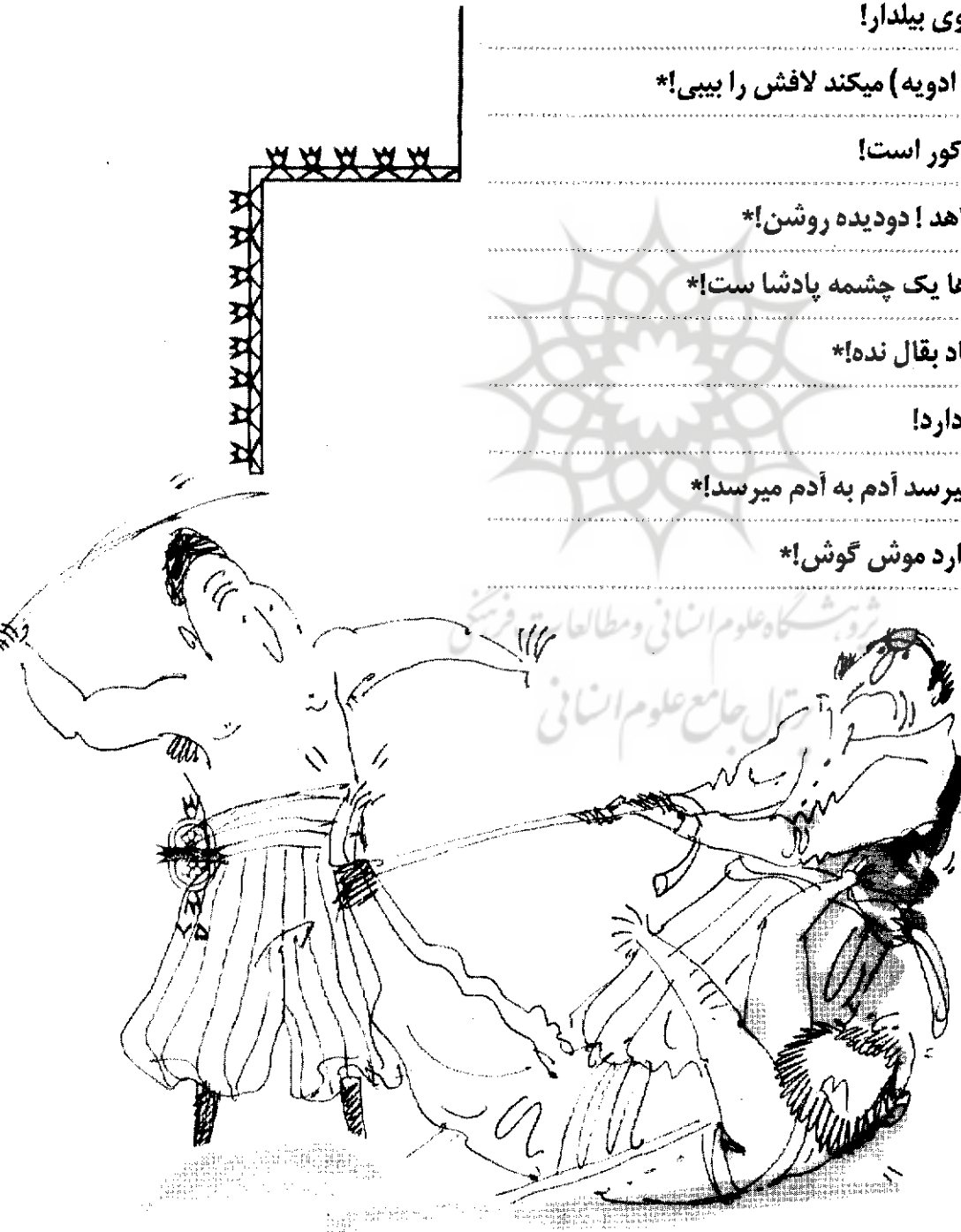
۳۶ در شهر کورها یک چشمه پادشا ست!*

۳۷ کم طولی را یاد بقال نده!*

۳۸ دل به دل راه دارد!

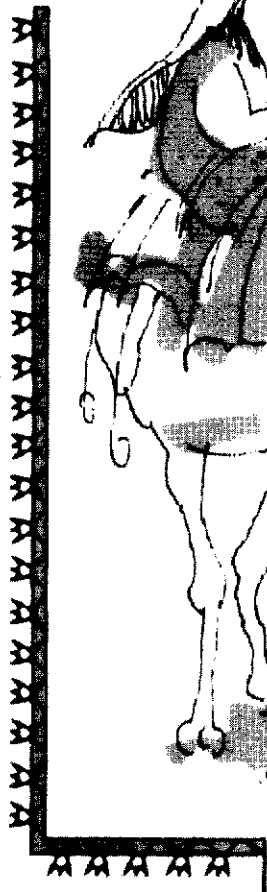
۳۹ کوه به کوه نمیرسد آدم به آدم میرسد!*

۴۰ دیوار موش دارد موش گوش!*



- ۴۱ موش در غارش جا همیشه جارو را به دمش میبرد!*
- ۴۲ جای که سوزن نمیرود جوالدوزه فشار میدهد!*
- ۴۳ مار گزیده را خواب میبرد، شکم گرسنه را نه!
- ۴۴ وقتی خروس آذان داد معلوم میشود ماکیان کیست!*
- ۴۵ مورچه که بال کشید زوالی اش می آید!
- ۴۶ خانه مورچه را شبنم طوفان است!
- ۴۷ تا شب نیروی روز به جایی نرسی!*
- ۴۸ دیگ به دیگ میگه رویت سیاه!*
- ۴۹ سرش بوی قورمه میدهد!*
- ۵۰ کوه هر قدر بلند باشد سرش راه دارد!*
- ۵۱ آتش که در گرفت تر و خشک می سوزد!
- ۵۲ قمار را که باختی حریف را از دست مده!
- ۵۳ بچه ها به بازی مادرا به قاضی!*
- ۵۴ هندو را گفتند: دولت زیاد گفت خودرا نگهدار!*
- ۵۵ مرغ کور و آب شور!
- ۵۶ دستش به آلو نمیرسه میگه آلو ترشه!*
- ۵۷ مهمان , مهمان را دیده ندارد, صاحب خانه هردور!
- ۵۸ نام رستم به از رستم!
- ۵۹ هرچه به دیگ باشد به کاسه می آید!
- ۶۰ دریک ده دومیگه جا نمیشه!*
- ۶۱ تو بجنبانی لبک, من میدانم گبت!*
- ۶۲ خرسه یاد کن دانگه به دست بگیر!
- ۶۳ یک کشمش و چهل قلندر!
- ۶۴ کور که به نواسه اش میراث بدهد!*
- ۶۵ یک بام و دوهوا!





- ۶۶ صدای خر به خاوندش نمیرسد!
- ۶۷ بازی بازی با ریش بابیه بازی!
- ۶۸ آب که از سر پرید چه یک متر چه صد متر!
- ۶۹ قرض که از سر پرید مرغ پلو بزن!
- ۷۰ آب تا گلو بچه زیر پا!
- ۷۱ ملخک جستی , جستی آخر بدستی!
- ۷۲ خانه گرگ بدون استخوان نیست!
- ۷۳ لقمه بوغمه میشه!*
- ۷۴ ریسمان را که از دو طرف بکشی آخرش پاره میشه!
- ۷۵ پول گرد بازار دراز!
- ۷۶ نیم قدش زیر زمین نیم قدش روی زمین!*
- ۷۷ از نو کیسه وام مخواه.
- ۷۸ با زنان رازت را مگو.
- ۷۹ آفتاب سرکوه است!
- ۸۰ به عوعو سگ دریا مردار نمیشه!
- ۸۱ کور خود بینای مردم.
- ۸۲ در بیل ماس مایه کرده!*
- ۸۳ دویدن افتادن دارد!
- ۸۴ خربزه , از خربزه رنگ میگیرد آدم از آدم پند!
- ۸۵ خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت باش!
- ۸۶ بی بی از بیچادری به خانه نشسته!
- ۸۷
- ۸۸ گوساله دوما دره از بیشیری هلاک میشه!
- ۸۹ درسفره شان نان نیست در بام شان چندین تنور
- ۹۰ پایین نمی نشیند بالا هم جای نیست!*

۹۱ خراز همه پایین تر آب خوردنش بالاترا*

۹۲ کلال از کوزه شکسته آب می خورد!

۹۳ مادرش را ببین دخترش را بگیر!

۹۴ چیزی که سر عام است سر ما هم است.

۹۵ شتر از تشنگی بمیرد یک زانو آب در شکمش است.

۹۵ چراغ ظالم تا نیم شب میسوزد.

۹۶ چراغی که بخانه بسوزد در مسجد حرام است!

۹۷ راه را مانده به چاه میروود!

۹۸ شاه می بخشد شاه قلی نه!

۹۹ فیلش یاد هندوستان کرده!*

۱۰۰ نام ازمن کام از تو.

